



Investigating the Asymmetric Effects of Financial Cycles on the Sustainability of Economic Growth in Iraq

Abdolrahim Hashemi Dizaj⁻¹, Mohammad Hassanzadeh², Sajjad Hossein Ali³

¹ Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

² Professor of the Department of Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

³ Master's student in Economics, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Received Date: 01 October 2024 Accepted Date: 29 January 2025

Abstract

Background and Aim: Economic growth and development over the past two decades in developing countries have clearly demonstrated the many effects of financial market cycles on economic activities in these countries. Instability and change in financial markets shape financial cycles, which in turn disrupt economic activities and reduce the economic growth of countries. Therefore, given the importance of the effects of financial cycles on economic growth, the aim of this study is to analyze and investigate the effects of asymmetric financial cycles on economic growth in Iraq.

Methods and Material: The present study analyzes and investigates the short-term and long-term effects of asymmetric financial cycles on economic growth in Iraq during the period ۲۰۲۳-۱۹۹۰ in the form of econometric models and methods. For this purpose, the autoregressive model with asymmetric distribution lag (NARDL) is used. This model is an extended form of the autoregressive distribution lag (ARDL) model.

Results: The results showed that in the long run, positive financial cycles have a positive and significant effect and negative financial cycles have a negative and significant effect on Iraq's economic growth. Also, foreign trade, exchange rate, active labor force, physical capital and foreign direct investment have a positive and significant effect, and oil revenues have a negative and significant effect on Iraq's economic growth. The explanatory and control variables (asymmetric financial cycles, foreign trade, exchange rate, physical capital, active labor force, foreign direct investment and oil revenues) also explain and show 75 percent of the changes in the target variable (Iraqi economic growth).

Conclusion: Given that financial cycles and foreign trade have the greatest impact on economic growth in the short and long run, therefore, monitoring credit expansion through macroprudential policies is essential to maintain financial stability in this country. Also, the Iraqi government can lead to increased economic growth by gradually creating conditions and establishing appropriate and necessary laws and regulations to expand commercial freedom and increase trade.

Key words: Asymmetric effects, financial cycles, economic growth and development Iraq.

⁻ Corresponding Author Email: a.hashemi@uma.ac.ir

Cite this article: Hashemi dizaj, A., Hasanzadeh, M. and Sajjad, H. A. (2025). Investigating the Asymmetric Effects of Financial Cycles on Economic Development: The Case Study Country Iraq. Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 6(2), 114-125.



شاپا: ۰۷۶۴-۲۷۸۳

دوره ۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۰، تابستان ۱۴۰۴

Journal Homepage <https://www.srds.ir/>
https://www.srds.ir/article_214596.html?lang=fa

بررسی اثرات نامتقارن چرخه‌های مالی بر پایداری رشد اقتصادی در کشور عراق

عبدالرحیم هاشمی دیزج^۱، محمد حسن زاده^۲، سجاد حسین علی^۳

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: رشد و توسعه اقتصادی طی دو دهه گذشته در کشورهای در حال توسعه به وضوح بیانگر اثرات فراوان چرخه بازارهای مالی بر فعالیت‌های اقتصادی در این کشورها بوده است. بی‌ثباتی و تغییر در بازارهای مالی، چرخه‌های مالی را شکل می‌دهد که این تغییرات و بی‌ثباتی در چرخه مالی باعث می‌شود فعالیت‌های اقتصادی دچار اختلال شود و رشد اقتصادی کشورها کاهش یابد. بنابراین با توجه به اهمیت اثرات چرخه‌های مالی بر رشد اقتصادی، هدف این پژوهش تحلیل و بررسی اثرات چرخه‌های نامتقارن مالی بر رشد اقتصادی در عراق می‌باشد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت چرخه‌های نامتقارن مالی بر رشد اقتصادی عراق در طی دوره سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۲۳ را در قالب الگوها و روش‌های اقتصادسنجی تحلیل و بررسی می‌کند. برای این منظور از الگوی خودرگرسیون با وقفه توزیعی نامتقارن (NARDL) استفاده می‌گردد. این مدل شکل گسترش یافته مدل خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) است.

نتایج: نتایج بدست آمده، نشان می‌دهند که در بلندمدت مدت چرخه‌های مثبت مالی اثر مثبت و معنادار و چرخه‌های منفی مالی اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارد. همچنین تجارت خارجی، نرخ ارز، نیروی کار فعال، سرمایه فیزیکی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تاثیر مثبت و معنادار و درآمدهای نفتی تاثیر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارند. متغیرهای توضیحی و کنترلی (چرخه‌های نامتقارن مالی، تجارت خارجی، نرخ ارز، سرمایه فیزیکی، نیروی کار فعال، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درآمدهای نفتی) نیز ۷۵ درصد تغییرات متغیر هدف (رشد اقتصادی عراق) را توضیح و نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه چرخه‌های مالی و تجارت خارجی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بیشترین تاثیر را بر رشد اقتصادی بر جای می‌گذارند، بنابراین نظارت بر گسترش اعتبارات از طریق سیاست‌های احتیاطی کلان برای حفظ ثبات مالی در این کشور ضروری می‌باشد. همچنین دولت عراق با گام برداشتن در جهت ایجاد تدریجی شرایط و وضع قوانین و مقررات مناسب و لازم برای گسترش آزادی تجاری و افزایش تجارت، می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی شود.

کلیدواژه‌ها: اثرات نامتقارن، چرخه‌های مالی، رشد و توسعه اقتصادی، عراق.

نویسنده مسئول: a.hashemi@uma.ac.ir

ارجاع به این مقاله: هاشمی دیزج، عبدالرحیم، حسن زاده، محمد و سجاد، حسین علی. (۱۴۰۴). ۸. بررسی اثرات نامتقارن چرخه‌های مالی بر پایداری رشد اقتصادی کشور عراق. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۶(۲)، ۱۱۴-۱۲۵.

مقدمه و بیان مسأله

چرخه‌های مالی به نوسانات اعتبار، قیمت دارایی‌ها و سایر متغیرهای مالی در طول زمان اشاره دارد. این چرخه‌ها اغلب با دوره‌های رونق و رکود در بخش مالی مشخص می‌شوند. تأثیر چرخه‌های مالی بر رشد اقتصادی بسته به فاز چرخه و شرایط خاص اقتصادی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. افزایش قیمت اعتبارات و دارایی‌ها در دوران رونق اعتباری می‌تواند با افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف به رشد اقتصادی دامن بزند. در مقابل، سخت‌تر شدن شرایط اعتباری و کاهش قیمت دارایی‌ها در طول بحران مالی ممکن است منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و مصرف شود و رکود اقتصادی را تشدید کند (جوردا و همکاران، ۲۰۲۰^۱). چرخه‌های مالی می‌توانند نوسانات اقتصادی را افزایش دهند زیرا تغییرات در بخش مالی می‌تواند اثرات بازخوردی بر اقتصاد واقعی ایجاد کند. مطالعات تجربی متعدد نشان می‌دهد که چرخه‌های مالی، به ویژه چرخه‌های اعتباری و قیمت دارایی‌ها، تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی دارند. میزان و مدت تأثیر ممکن است بسته به ویژگی‌های چرخه مالی و زمینه اقتصادی و نهادی خاص تأثیرات متفاوتی داشته باشد (بوریو، ۲۰۲۰^۲). به طور کلی، رابطه بین چرخه‌های مالی و رشد اقتصادی پیچیده است و شامل اثرات بازخورد مثبت و منفی است. درک و مدیریت موثر این رابطه یک چالش کلیدی برای سیاست‌گذاران در ارتقای رشد اقتصادی پایدار است.

اقتصاد عراق به عنوان یک صادرکننده بزرگ نفت، به شدت تحت تأثیر چرخه قیمت جهانی نفت قرار دارد. نوسانات درآمدهای نفتی تأثیر قابل توجهی بر مخارج دولت، سرمایه‌گذاری‌ها و عملکرد کلی اقتصادی دارد. عراق دوره‌هایی از تورم بالا و نوسانات نرخ ارز را تجربه کرده است که می‌تواند ثبات مالی و برنامه ریزی اقتصادی را مختل کند. درک ماهیت چرخه‌ای این متغیرها برای سیاست‌گذاران بسیار مهم است. چرخه‌های رشد اعتبار، اهرم‌ها و قیمت دارایی‌ها در صورت عدم کنترل می‌توانند به بحران‌های مالی کمک کنند. نظارت و مدیریت این چرخه‌ها برای حمایت از ثبات بخش مالی در عراق ضروری است. آگاهی از چرخه‌های مالی می‌تواند اقتصاد کلان و سیاست‌های کلان اقتصادی در عراق را تعیین کند. این سیاست‌ها شامل استفاده از ابزارهای ضد چرخه‌ای، مانند تعدیل الزامات ذخیره، برای کاهش خطر عدم تعادل چرخه‌ای است. بنابراین، هدف تحقیق بررسی تأثیر چرخه‌های مالی نامتقارن بر رشد اقتصادی عراق در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

بازارهای مالی شامل بازار وام و اعتبار، بازار سهام و بازار مسکن است. در اقتصادهایی که نظام مالی آنها مبتنی بر بانکداری است، شاخص‌های اعتباری نشان‌دهنده صعود و سقوط بازارهای مالی و عامل اصلی شکل‌گیری چرخه مالی هستند. منظور از چرخه مالی، چرخه رونق و رکود است که می‌تواند نوسانات اقتصادی در بازارهای مالی را تشدید کند و منجر به آشفتگی و اختلال مالی شود (کوئر و همکاران، ۲۰۲۰^۳).

سیستم مالی از طریق نقشی که در سیستم پرداخت دارد و امکان دسترسی خانوارها و بنگاه‌ها به اعتبار را فراهم می‌کند، فعالیت‌های اقتصادی را تسهیل می‌کند. گسترش اعتبار می‌تواند سیگنال‌هایی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و زمینه‌ای برای رشد اقتصادی بیشتر ارائه دهد، اما بحران‌های مالی اغلب پس از رشد ناگهانی وام‌های بانکی به بخش خصوصی رخ داده است. بحران مالی جهانی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ نمونه‌ای است که نشان می‌دهد افزایش سریع وام‌های بانکی می‌تواند باعث بحران مالی شود. در دوره‌های افزایش رونق اقتصادی، اعطای وام به بخش خصوصی گسترده می‌شود و باعث سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کم بهره‌ور و افزایش مصرف خانوار می‌شود. در حالی که اعطای اعتبار بیشتر می‌تواند منجر به افزایش سرمایه‌گذاری، مصرف و تولید شود، همچنین می‌تواند منبعی شکننده باشد، زیرا وام دادن بیشتر، بسته به ریسک وام‌گیرنده، احتمال بیشتری برای گرفتن وام‌های رهنی و همچنین استقراض شرکتی برای خرید املاک و مستغلات دارد. این امر منجر به اختلال در بخش مالی خواهد شد. بنابراین

^۱Jorda et al

^۲Yellen et al

^۳Cotter et al.

سیستم مالی به شوک‌های منفی مانند اصلاح قیمت دارایی‌ها، کاهش نرخ واقعی ارز و حتی رکودهای اقتصادی خفیف، حساس می‌شود. زیرا با توسعه اعتبارات، سلامت مالی بلندمدت بانک‌ها بدتر می‌شود. توسعه اعطای وام بانکی در اقتصاد نقش مهمی در مکانیسم انتقال پولی ایفا می‌کند که تصمیمات سیاست پولی را قادر می‌سازد بر فعالیت‌های اقتصادی و سطوح قیمت تأثیر بگذارد. تمام بحران‌های مالی با منشاء داخلی در اوج چرخه مالی یا نزدیک به آن رخ می‌دهند. شکاف نسبت اعتبار به تولید ناخالص داخلی و روند بلندمدت قیمت سهام و املاک نشان‌دهنده چرخه مالی است و به عنوان یک شاخص پیشرو برای بحران مالی در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، از آنجایی که رشد اعتبار و نسبت اعتبار به تولید ناخالص داخلی متغیرهایی هستند که می‌توانند چرخه مالی را نشان دهند، می‌توان از نوسانات وام‌های بانکی برای پیش‌بینی چرخه مالی استفاده کرد. نوسانات اعتباری نشان‌دهنده احتمال نوسانات مالی در آینده است. سیاست مالی می‌تواند یکی از موثرترین ابزارها در ایجاد ثبات بلندمدت اقتصادی باشد. با این حال، اجرای سیاست‌های مالی دوره‌ای به گونه‌ای که به رفاه جامعه آسیب برساند، زمینه را برای افزایش نوسانات کلان اقتصادی ایجاد کرده و منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌های واقعی می‌شود. تا جایی که اجرای چنین سیاست‌هایی می‌تواند باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش کسری بودجه و بدهی دولت شود. به همین دلیل، هم در مکاتب کینزی و هم در مکاتب نئوکلاسیک اتفاق نظر وجود دارد که سیاست مالی طرفدار چرخه‌ای نباید اتخاذ شود. زیرا بررسی رابطه بین نرخ رشد اقتصادی سرانه و رفتار چرخه‌ای سیاست مالی و نوسانات مالی وجود رابطه منفی بین این متغیرها را نشان می‌دهد. ضرورت اجرای سیاست‌های مالی ضد چرخه‌ای در کشورهای تولیدکننده نفت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از آنجا که چرخه‌ای بودن سیاست مالی در کشورهای نفتی منبع شناخته شده تشدید بی‌ثباتی است، عدم اطمینان را در اقتصاد افزایش می‌دهد و زمینه را برای کاهش رشد اقتصادی هموار می‌کند. پژوهشگران ضمن بررسی دلایل چرخه‌ای بودن سیاست مالی به این نتیجه رسیدند که از یک سو متغیرهای اقتصادی سیاسی و نهادی مانند ماهیت رژیم سیاسی، کیفیت نهادها، فساد و اثربخشی دولت و از سوی دیگر، متغیرهای اقتصادی مانند اندازه دولت، آشفته‌گی تولید و ناتوانی کشورهای در حال توسعه برای دسترسی به بازارهای اعتباری جهانی برای دریافت وام در دوران بحران، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار چرخه‌ای مالی بوده است (بووانگ و یانگ ضیا، ۲۰۲۳).

پیشینه تحقیق

الف: مطالعات داخلی

در پژوهش عامری (۱۴۰۲) به بررسی رابطه پویای چرخه‌های مالی، چرخه‌های تجاری و عدم تعادل‌های کلان اقتصادی در اقتصاد ایران با رویکرد خودرگرسیون پرداخته شد. این کار بین سالهای ۱۳۹۰-۱۴۰۱ انجام شد. چرخه‌های تجاری نیز با استفاده از رویکرد فیلتر هودریک پرسکات محاسبه می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین چرخه‌های مالی و چرخه‌های تجاری رابطه معناداری وجود دارد.

در مطالعه‌ای که توسط بهشتی و همکاران (۱۴۰۱) انجام شد، آنها تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجارت را بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد متوسط با استفاده از روش تعمیم یافته سیستمی در دوره زمانی بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ بررسی کردند. نتایج نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار توسعه مالی بر رشد اقتصادی است. علاوه بر این، در گروه کشورهای مورد بررسی، انتظار می‌رود آزادسازی تجارت موانع تعرفه‌ای را کاهش دهد و اثر آن بر رشد اقتصادی در قالب عدم تعرفه و افزایش حجم تجارت مثبت و معنادار بوده است.

مکیان و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود به بررسی وضعیت چرخه‌های سیاست‌های پولی و مالی در ایران در بازه زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۶ با استفاده از روش مدل خودرگرسیون بردار ساختاری پرداختند. نتایج برآورد مدل نشان داد که سیاست‌های پولی و مالی در ایران رفتاری مستقل از چرخه‌ها دارند. همچنین نتایج نشان داد که این سیاست‌ها علیرغم چرخه‌ای بودن توانسته‌اند اقتصاد را تثبیت کنند. به عبارت دیگر، بین نوسانات ساختاری پولی و شوک‌های ساختاری (دوره‌های تجاری) رابطه معناداری یافت نشد.

در تحقیقی که توسط عرب و همکاران (۱۴۰۰) انجام شد، آنها به بررسی تأثیر توسعه مالی و ثبات مالی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۷ پرداختند. نتایج نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای توسعه مالی و ثبات مالی بر رشد اقتصادی است. علاوه بر این، در حالی که متغیرهای وقفه رشد اقتصادی، آموزش، سرمایه‌گذاری ثابت و آزادسازی تجارت اثر مثبت و معناداری دارند، تورم، هزینه‌های عمومی و جمعیت فعال اثر منفی بر رشد اقتصادی دارند.

کشتگر و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از مدل‌های سری زمانی ساختاری به بررسی ویژگی‌های چرخه مالی در اقتصاد ایران در دوره زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۷ پرداختند. نتایج تحقیق قبل از هر چیز نشان داد که نسبت وام به سپرده در دوره مورد بررسی سیر بسیار نوسانی را دنبال کرده و تفاوت این دو به عنوان کسری تامین مالی یکی از علل بحران مالی و تاریخ ظهور بحران بانکی بوده است. چرخه مالی به‌دست‌آمده از مدل تخمینی نشان‌دهنده تعمیم مالی در نتیجه گسترش اعتبار در سال‌های اخیر و افزایش متعاقب آن در نسبت اعتبار به تولید ناخالص داخلی است. رگرسیون لاجیت یک رابطه مثبت بین احتمال وقوع یک بحران بانکی و نسبت اعتبار به تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد.

پروین و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شوک‌های مالی بر تولید و سطح قیمت در ایران با رویکرد خودرگرسیون برداری ساختاری طی دوره ۱۳۸۹:۴-۱۳۶۷:۱ پرداختند. نتایج واکنش آنی برای متغیرهای الگو آشکار کرد که اجزای گوناگون مخارج دولت و درآمد مالیاتی اثراتی متفاوت در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر متغیرهای کلان داشته است. همچنین براساس سایر نتایج، تکانه‌های مثبت در مخارج کل و مخارج جاری دولت، تولید ناخالص داخلی را در کوتاه مدت به صورت موقت افزایش داده و نیز سبب افزایش سطح قیمت‌ها شود. براساس نتایج، همچنین مخارج عمرانی تأثیری مثبت و پایدارتر بر تولید داشته است.

وانگ و خیاو^۱ (۲۰۲۳) در یک مطالعه، آنها اثرات چرخه‌های مالی را بر رشد اقتصادی در ۳۱ کشور در حال توسعه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ با استفاده از رویکرد رگرسیون چندکی بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که چرخه‌های مالی تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد. علاوه بر این، با توجه به نتایج دیگر این مطالعه، این اثرات در صدک‌های پایین‌تر رشد اقتصادی قوی‌تر و بزرگ‌تر از صدک‌های بالاتر بود.

وانگ و چو^۲ (۲۰۲۲) در یک مطالعه، آنها تأثیر متغیرهای چرخه مالی را بر رشد تولید ناخالص داخلی در چین طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که تغییرات متغیرهای چرخه مالی بر ترازنامه وام گیرندگان و وام‌دهندگان تأثیر می‌گذارد، در نتیجه اثرات دهک‌های پایین رشد تولید ناخالص داخلی نسبت به شتاب دهنده مالی حساس‌تر است، در حالی که دهک‌های بالا نسبتاً پایدار هستند. علاوه بر این، نتایج نشان داد که ترکیبی از رشد سریع قیمت دارایی و اهرم بالا تأثیر قیمت دارایی‌ها را بر کاهش رشد تولید ناخالص داخلی تقویت می‌کند.

جوهانسن و رابرت^۳ (۲۰۲۱) در یک مطالعه، آنها اثرات چرخه‌های مالی را بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، بیکاری و تورم در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ در ایتالیا با استفاده از روش یوهانسن بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که چرخه‌های مالی تأثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. همچنین تأثیر چرخه‌های مالی بر نرخ بیکاری و تورم مثبت و معنادار بود.

کامبس و همکاران^۴ (۲۰۱۹) مقاله‌ای تأثیر جریان‌های مالی و ترکیب آنها را در تعدادی از کشورهای با درآمد پایین و متوسط در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ با استفاده از روش تعمیم یافته لحظه‌ها بررسی می‌کند. نتایج تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که جریان‌های مالی مستقیماً از رشد اقتصادی حمایت می‌کنند و با افزایش نرخ واقعی ارز به‌طور غیرمستقیم رشد را کاهش می‌دهند.

^۱Wang & Xiao^۲Wang & Chow^۳Johannes & Rbert^۴Combes et al.

رودریگز (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از روش گشتاورهای تعمیم یافته پویا به بررسی نقش بازبودن مالی و ادغام مالی بین‌المللی در انتخاب رژیم نرخ ارز که هدف آن به حداکثر رساندن رشد اقتصادی است طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۷۰ برای ۱۲۳ کشور می‌پردازد و به این نتیجه دست یافت که درجه بالای باز بودن مالی، تأثیر منفی نوسانات نرخ ارز روی رشد را کاهش می‌دهد. بریستی (۲۰۱۴) استفاده از مدل حداقل مربعات معمولی برای بررسی تأثیر توسعه مالی بر رابطه بین نوسانات نرخ ارز و رشد بلندمدت در بنگلادش طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۲ را بکار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که نوسانات نرخ ارز به دلیل توسعه کم بازار مالی در بنگلادش، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد. سطوح پایین توسعه مالی باعث می‌شود که نوسانات نرخ ارز مانع نوآوری شود و رشد بنگلادش را کند کند.

فاتاس^۳ (۲۰۱۱) او در مطالعه‌ای که انجام داد، تأثیر چرخه‌های مالی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را با استفاده از روش داده‌های تابلویی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ بررسی کرد. نتایج نشان می‌دهد که تعاملات مهمی بین چرخه‌ها و رشد وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که چرخه‌های تجاری را نمی‌توان انحراف موقت از یک روند در نظر گرفت و بین تداوم نوسانات کوتاه مدت و نرخ رشد بلندمدت همبستگی مثبت قوی وجود دارد. علاوه بر این، کشورهایی با نوسانات مالی بیشتر، نرخ رشد بلندمدت کمتری را نشان می‌دهند. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که یک رابطه غیر خطی در این رابطه وجود دارد. تأثیر چرخه‌های تجاری بر رشد برای کشورهای فقیر یا کشورهایی که سطح توسعه مالی کمتری دارند، بسیار بیشتر است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر اثرات کوتاه مدت و بلند مدت چرخه‌های نامتقارن مالی بر رشد اقتصادی عراق در طی دوره سال‌های ۲۰۲۳-۱۹۹۰ را در قالب الگوها و روش‌های اقتصادسنجی تحلیل و بررسی می‌کند. برای این منظور از الگوی خودرگرسیون با وقفه توزیعی نامتقارن (NARDL)^۴ استفاده می‌گردد. این مدل را که شکل گسترش یافته مدل خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL)^۵ است، شین و همکاران (۲۰۱۴)^۶ ابداع و معرفی کردند. الگوی مورد بررسی در این پژوهش به صورت معادله (۱) می‌باشد که از مطالعه بو وانگ و یانگ ضیا (۲۰۲۳)^۷ اقتباس شده است:

$$\Delta GDP_t = \beta_0 + \beta_1 \Delta GDP_{t-k} + \beta_2 \Delta CYC_{t-k}^+ + \beta_3 \Delta CYC_{t-k}^- + \beta_4 \Delta LTR_{t-k} + \beta_5 \Delta EXR_{t-k} + \beta_6 \Delta GCF_{t-k} + \beta_7 \Delta LAB_{t-k} + \beta_8 \Delta FDI_{t-k} + \beta_9 \Delta LOIL_{t-k} + U_t \quad (1)$$

معادله

متغیرهای مورد استفاده در معادله (۱) شامل:

GDP: رشد اقتصادی؛^۸ بصورت رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته می‌شود (متغیر هدف).

CYC: چرخه‌های مالی؛^۹ بصورت رکود و رونق بازارهای مالی در نظر گرفته می‌شود (متغیر توضیحی). علامت + نشان‌دهنده

چرخه مثبت مالی و علامت - نشان‌دهنده چرخه منفی مالی است.

^۱Rodriguez

^۲Bristy

^۳Fat'as

^۴Non liner Auto Regressive Disterbuted Lag

^۵Auto Regressive Disterbuted Lag

^۶Shin et al

^۷Wang & Xiao

^۸Economic Growth

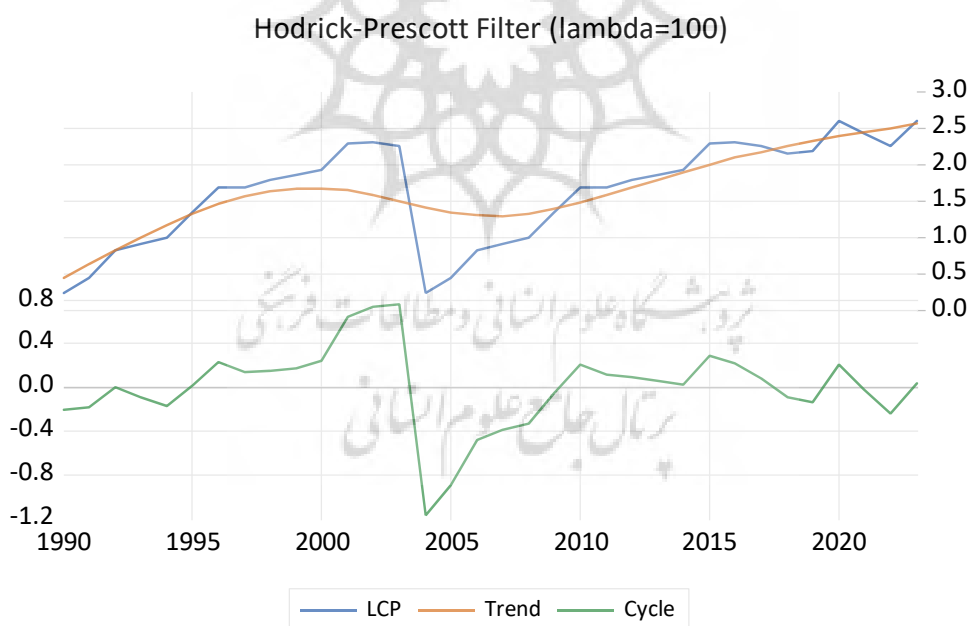
^۹Financial Cycels

TR تجارت خارجی؛ بصورت درصدی از GDP در نظر گرفته می شود (متغیر کنترلی داخلی).
 EXR: نرخ ارز؛ نرخ رسمی ارز می باشد (متغیر کنترلی داخلی).
 GCF: سرمایه فیزیکی (تشکیل سرمایه ناخالص)؛ بصورت درصدی از GDP در نظر گرفته می شود (متغیر کنترلی داخلی).
 LAB: نیروی کار فعال؛ بصورت نرخ مشارکت جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال در نظر گرفته می شود (متغیر کنترلی داخلی).
 FDI: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛ بصورت درصدی از GDP در نظر گرفته می شود (متغیر کنترلی جهانی).
 OIL: شاخص قیمت نفت می باشد. بیانگر درآمد حاصل از فروش نفت به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است (متغیر کنترلی داخلی).
 u نیز بردار اجزاء خطای اختلال است.

آزمون‌های تشخیصی

روش فیلتر هودریک – پرسکات

چرخه‌ها، الگوهای نوسانی منظم متغیرهای اقتصاد کلان است که بطور کلی شامل رونق و رکودهایی است که در اطراف مسیر رشد بلندمدت اقتصادی اتفاق می‌افتد. برای مطالعه شاخصه‌های چرخه‌های مالی، بایستی نوسانات این چرخه سری‌ها از جز بلندمدت آن تفکیک شود. فیلتر هودریک پرسکات ابتدا در سال ۱۹۸۰ مطرح شد و در حال حاضر این روش به یک روش روندردایی سری‌های زمانی تبدیل گردیده است. در این مطالعه از روش هودریک پرسکات برای محاسبه چرخه‌های مالی بهره گرفته می‌شود. شکل (۱)، روندردایی چرخه‌های مالی را نشان می‌دهند که TREND روند سری زمانی و CYCLE سری روندردایی شده را نشان می‌دهد.



شکل (۱): روندردایی چرخه‌های مالی

^۱Trade

^۲Exchange Rate

^۳Gross Capital Formation

^۴Labor

^۵Foring Direct Investment

آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته

از جمله موضوعاتی که بایستی پیش از تخمین مدل مورد بررسی قرار گیرد، موضوع مانایی متغیرهاست. در این پژوهش برای آزمون مانایی داده‌های مورد نظر، از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده می‌گردد. فرضیه صفر این آزمون وجود ریشه واحد یا نامانایی متغیرهاست. در جدول (۱)، نتیجه این آزمون برای متغیرهای معرفی شده ارائه گردیده است.

جدول (۱): آزمون ریشه واحد

متغیرها	آزمون دیکی فولر تعمیم یافته	وضعیت مانایی
GDP	-۹/۰۸ (۰/۰۰)	مانا در سطح
CYC	-۳/۲۲ (۰/۰۹)	نامانا در سطح
DCYC	-۵/۸۰ (۰/۰۰)	مانا در تفاضل مرتبه ۱
Log(TR)	-۴/۲۵ (۰/۰۱)	مانا در سطح
EXR	-۰/۹۹ (۰/۹۳)	نامانا در سطح
DEXR	-۴/۱۹ (۰/۰۱)	مانا در تفاضل مرتبه ۱
GCF	-۲/۵۸ (۰/۵۸)	نامانا در سطح
DGCF	-۶/۸۲ (۰/۰۰)	مانا در تفاضل مرتبه ۱
LAB	-۵/۴۶ (۰/۰۰)	مانا در سطح
FDI	-۲/۷۶ (۰/۲۱)	نامانا در سطح
DFDI	-۶/۶۹ (۰/۰۰)	مانا در تفاضل مرتبه ۱
Log(OIL)	-۲/۴۸ (۰/۳۳)	نامانا در سطح
DLog(OIL)	-۱۰/۱۸ (۰/۰۰)	مانا در تفاضل مرتبه ۱

منبع: یافته‌های تحقیق. اعداد داخل پرانتز نشان دهنده آماره احتمال است.

نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم حاکی از آن است که تولید ناخالص داخلی، تجارت و نیروی کار فعال در سطح مانا می‌باشند. زیرا آماره احتمال برای این سه متغیر از ۰/۰۵ کمتر است، پس فرض صفر مبنی بر وجود ریشه واحد یا نامانایی این سه متغیر رد می‌گردد. بقیه متغیرها (چرخه‌های مالی، نرخ ارز، سرمایه فیزیکی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درآمدهای نفت) در سطح نامانا می‌باشند و با یکبار تفاضل‌گیری مانا می‌گردند. بنابراین برای جلوگیری از رگرسیون کاذب بایستی آزمون همجمعی انجام شود.

نتایج برآورد ضرایب کوتاه مدت

بعد از بررسی وضعیت مانایی متغیرها و روندزدایی چرخه‌های مالی، به ترتیب ضرایب کوتاه‌مدت، آزمون همجمعی و ضرایب بلندمدت برای مدل برآورد می‌گردد. نتایج تخمین ضرایب کوتاه مدت در جدول (۲) ارائه گردیده است:

جدول (۲): برآورد ضرایب کوتاه مدت

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
---------	-------	---------	--------

۰/۲۰	۱/۳۲	۰/۱۶	GDP(-1)
۰/۰۴	۲/۲۲	۱۵/۸۰	CYC⁺
۰/۰۰	-۳/۱۹	-۲۴/۰۵	CYC⁻
۰/۰۲	۲/۵۰	۴/۸۰	LTR
۰/۰۱	۲/۶۲	۰/۱۰	EXR
۰/۰۱	۲/۵۸	۰/۶۲	GCF
۰/۰۰	۳/۳۲	۰/۵۳	GCF(-1)
۰/۹۱	۰/۱۰	۰/۴۱	LAB
۰/۰۰	۲/۸۸	۲/۰۹	FDI
۰/۰۱	-۲/۶۲	-۸/۴۴	LOIL
۰/۰۱	۲/۳۷	۱۵	C

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۲) مشخص است که در کوتاه مدت، چرخه‌های مثبت مالی اثر مثبت و معنادار و چرخه‌های منفی مالی اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارد. تجارت، نرخ ارز، سرمایه فیزیکی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارند. اما نیروی کار فعال در کوتاه مدت اثر غیر معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارد. درآمدهای نفتی نیز در کوتاه مدت اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارد. قدرت توضیح‌دهندگی مدل (R²) برای عراق ۰/۷۵ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش خوب مدل می‌باشد. در واقع قدرت توضیح‌دهندگی نشان می‌دهد که متغیرهای توضیحی و کنترلی (چرخه‌های نامتقارن مالی، تجارت، نرخ ارز، سرمایه فیزیکی، نیروی کار فعال، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درآمدهای نفتی) ۷۵ درصد تغییرات متغیر هدف (رشد اقتصادی عراق) را توضیح می‌دهد.

آزمون همجمعی

از آنجایی که آزمون ریشه واحد، برخی از متغیرها در سطح نامانا بود و با یک بار تفاضل گیری مانا گردیدند، برای ممانعت از رگرسیون کاذب نیاز به انجام آزمون همجمعی می‌باشد. برای بررسی همجمعی بین متغیرها در این تحقیق از آزمون باند استفاده می‌گردد. در صورتی که همجمعی بین متغیرها اثبات شود، می‌توان گفت که رابطه تعادلی و بلند مدت بین متغیرهای مورد نظر برقرار است. در مدل NARDL پس از محاسبه مقدار آماره F و استخراج مقادیر بحرانی مربوط به مدل در آزمون باند، چنانچه مقدار آماره F بیشتر از مقدار بحرانی کران بالا باشد، فرضیه صفر عدم وجود همجمعی میان متغیرها رد می‌شود و فرضیه مقابل مبنی بر وجود ارتباط بلند مدت میان متغیرها پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون همجمعی در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول (۳): آزمون همجمعی باند

آماره F: (۲۷/۱۷)	کرانه پایین	کرانه بالا
٪۱۰	۱/۹۵	۳/۰۶
٪۵	۲/۲۲	۳/۳۹
٪۲،۵	۲/۴۸	۳/۷۰
٪۱	۲/۷۹	۴/۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۳)، از آنجایی که آماره F، بیشتر از کرانه‌های بالا در سطوح مختلف است، برقراری رابطه بلندمدت میان متغیرها اثبات می‌شود. نتایج تخمین ضرایب بلند مدت در جدول (۴) ارائه گردیده است:

جدول (۴): برآورد ضرایب بلندمدت

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
CYC ⁺	۱۸/۹۶	۲/۴۰	۰/۰۲
CYC ⁻	-۴/۸۶	-۲/۲۱	۰/۰۳
LTR	۵/۱۶	۲/۸۹	۰/۰۲
EXR	۰/۰۵	۲/۱۰	۰/۰۴
GCF	۱/۵۲	۲/۵۹	۰/۰۱
LAB	۰/۷۸	۲/۸۹	۰/۰۰
FDI	۳/۲۲	۲/۱۰	۰/۰۳
LOIL	-۳/۳۷	-۲/۱۱	۰/۰۴

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۴) مشخص است که در بلند مدت چرخه‌های مثبت مالی اثر مثبت و معنادار و چرخه‌های منفی مالی اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق بجای می‌گذارد. به طوری که اثر قدرمطلق چرخه‌های مثبت بیشتر از اثر چرخه‌های منفی است. متغیرهای تجارت خارجی، نرخ ارز، سرمایه‌فیزیکی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیروی کار فعال اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارند. یا این حال بین این متغیرها، اثر تجارت خارجی بیشتر می‌باشد اما درآمدهای نفتی اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارد.

آزمون‌های تشخیصی جهت بررسی فروض کلاسیک

بعد از بررسی وضعیت مانایی متغیرها، تخمین ضرایب کوتاه مدت، آزمون همجمعی و ضرایب بلند مدت انجام گردید. به منظور بررسی درستی برآورد ضرایب و فروض کلاسیک، از آزمون پورتمن و LM جهت تشخیص خود همبستگی، آزمون ژارکو- برا، جهت تشخیص نرمال بودن و آزمون آرچ برای تشخیص واریانس ناهمسانی اجزاء باقیمانده خطا استفاده می‌گردد و نتایج این آزمون‌های تشخیصی برای مدل در جدول (۵) قابل مشاهده است.

جدول (۵): آزمون‌های تشخیصی

آزمون	پورتمن	LM	ژارکویرا	آرچ
آماره تخمینی	۱/۵۲	۱/۲۹	۰/۲۰	۱/۰۶
آماره احتمال (P)	۰/۲۱	۰/۲۷	۰/۹۰	۰/۳۱

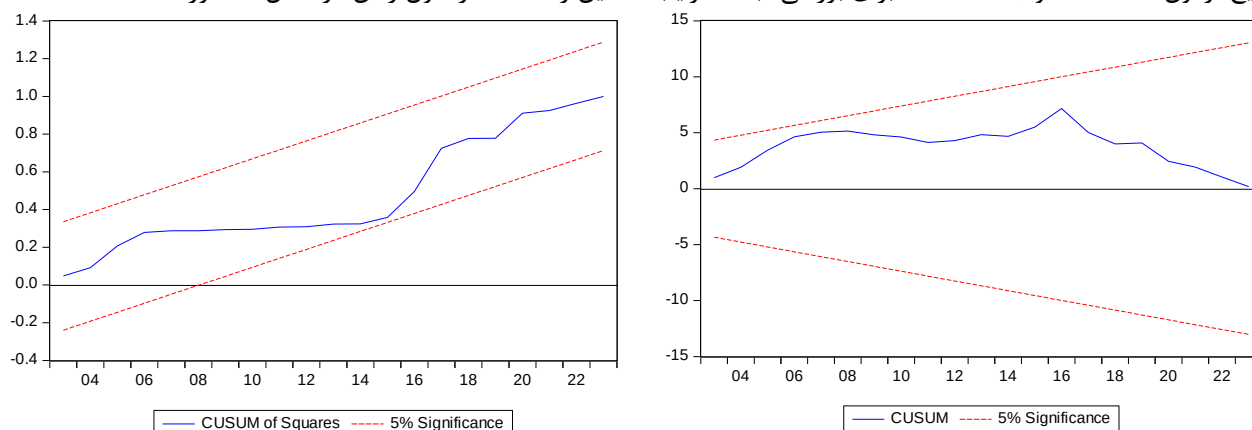
منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۵) می‌توان نتیجه گرفت که آزمون‌های تشخیصی، دلالت بر عدم وجود خود همبستگی و عدم وجود واریانس ناهمسانی دارد زیرا آماره احتمال آزمون‌های پورتمن و LM و آرچ از ۰/۰۵ بیشتر است و فرض صفر این آزمون‌ها رد نمی‌شود. نتیجه آزمون ژارکویرا هم حاکی از آن است که اجزاء باقیمانده خطا نرمال هستند زیرا آماره احتمال برای این آزمون نیز از ۰/۰۵ بیشتر است و فرضیه صفر این آزمون رد نمی‌شود.

آزمون‌های ثبات

در برآورد الگوی رگرسیون این فرض ضمنی در نظر گرفته می‌شود که پارامترها برای تمام نمونه آماری مورد استفاده، ثابت هستند. اگر حالتی در نظر گرفته شود که در طول دوره مورد بررسی اتفاق مهمی اتفاق افتد و باعث تغییر و شکست ساختاری در داده‌ها گردد (مثال جنگ)؛ این باعث می‌شود که اگر الگو برای داده‌های قبل و بعد از نقطه شکست، تخمین زده شود، احتمالاً

شیب، عرض از مبدأ و یا هر دو تفاوت معناداری پیدا می‌کنند. فرض ضمنی بر این است که شیب و عرض از مبدأ الگو برای قبل و بعد از نقطه شکست یکسان می‌باشد که این فرض ضمنی را می‌توان با استفاده از آزمون های ثبات پارامترها مورد بررسی قرار داد. نتایج آزمون CUSUM و CUSUMQ برای بررسی ثبات ضرایب تخمین زده شده در طول زمان در شکل (۲) آورده شده است.



شکل (۲): آزمون های ثبات

از آنجایی که در این آزمون ها، پارامترها در داخل فواصل اطمینان ۹۵ درصد قرار می‌گیرند، فرض صفر مبنی بر ثبات ضرایب، پذیرفته می‌شود و در سطح معنی داری ۵ درصد نتایج به دست آمده قابل اتکا و معتبر می‌باشد. یعنی ضرایب تخمینی باثبات می‌باشند و شکست ساختاری وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که به طور کلی، الگو و ضرایب تخمینی ثبات لازم را دارا می‌باشند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به نتایج بدست آمده که در بلند مدت چرخه های مثبت مالی اثر مثبت و معنادار و چرخه های منفی مالی اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق بجای می‌گذارد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مطابق مبانی نظری، در دوران رونق اعتبار (چرخه‌های مالی مثبت)، گسترش و توسعه اعتبار و سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به رشد اقتصادی گردد. یعنی در دوران رونق اعتباری، افزایش قیمت اعتبار و دارایی‌ها می‌تواند باعث افزایش سرمایه‌گذاری و مصرف شود و به گسترش و توسعه اقتصادی دامن بزند. رکودها و بحران‌های مالی (چرخه های مالی منفی) می‌توانند اثرات منفی قابل توجهی بر رشد اقتصادی داشته باشند، زیرا اغلب باعث کاهش اعتبار، کاهش اهرم‌ها و وام دهی و کاهش سرمایه‌گذاری و مصرف می‌شوند. به عبارت دیگر در زمان بحران مالی، سخت‌تر شدن شرایط اعتباری و کاهش قیمت دارایی‌ها می‌تواند به انقباض سرمایه‌گذاری و مصرف منجر شود و رکود اقتصادی را شدت بخشد. بطور کلی چرخه‌های مالی می‌توانند بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تجاری اثر گذار باشد. دسترسی آسان به اعتبار و افزایش ارزش دارایی‌ها در طول توسعه می‌تواند سرمایه‌گذاری را تحریک کند، در حالی که شرایط تنگاتنگ اعتباری و کاهش قیمت دارایی در طول انقباض‌ها می‌تواند سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه را کم کند. از جهت اثر گذاری تاثیر چرخه های مالی بر رشد اقتصادی، نتایج این پژوهش با پژوهش های بهشتی و همکاران (۱۴۰۱)، عرب و همکاران (۱۴۰۰)، وانگ و خیائو (۲۰۲۳) و وانگ و چو (۲۰۲۲) مطابقت دارد زیرا در همه این مطالعات مشخص گردید که چرخه های مالی، توسعه مالی و ثبات مالی رابطه مثبت و معنادار با رشد اقتصادی دارند. به عبارتی دیگر چرخه های مالی مثبت، افزایش توسعه مالی و ثبات مالی منجر به رشد اقتصادی می‌شود در صورتی که چرخه های مالی منفی، کاهش توسعه مالی و ثبات مالی رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

با توجه به رابطه چرخه های مالی و رشد اقتصادی عراق در کوتاه مدت و بلند مدت یک رابطه مستقیم و معنادار است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که دولت ساز و کارهای ارتقای اثربخشی سیاست های تسهیلات دهی را در دستور کار قرار دهد؛ البته که سیاست تسهیلات مبتنی بر تخصیص به بنگاه های کارآمد و همچنین افزایش ظرفیت‌های ارائه تسهیلات برای شرکت‌های خلاق دانش بنیان

باید در بین اولویت های سیاستگذاری باشند. همچنین لازم است که در کنار بخش بانکی، بازارهای مالی برای تأمین مالی اقتصاد، گسترش یابند و ثمرات خود را در رونق تولید نشان دهند. در این راستا ایجاد ابزارهای نوین مالی، تسهیل ارائه اطلاعات به سرمایه گذاران و رونق فرهنگ سرمایه گذاری در بازار مالی، پیشنهاد می شود.

همچنین با توجه به اثر مثبت و معنی دار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی کشور عراق، می توان نتیجه گیری کرد که این نتیجه مطابق با مبانی نظری، تجارت بین الملل (باز بودن اقتصاد)، نرخ رشد اقتصادی را از طریق دسترسی به بازارهای خارجی، تکنولوژی و منابع تحت تأثیر قرار می دهد، می باشد. از جهت تأثیر گذاری تجارت بر رشد اقتصادی، نتایج این پژوهش مطابق با پژوهش های بهشتی و همکاران (۱۴۰۱) و جهانی و فراهانی (۱۳۹۹) می باشد. زیرا در این پژوهش ها نیز مشخص گردید که تجارت و آزادسازی تجاری منجر به افزایش رشد اقتصادی می شود.

بقیه متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق از جمله اثر نرخ ارز، نیروی کار فعال، سرمایه فیزیکی و سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی مطابق با مبانی نظری و تحقیقات مشابه در این خصوص می باشد، که اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشور عراق را دارند. همچنین آنچه که براساس یافته های این تحقیق قابل تأکید است برقراری نظریه نفرین منابع، می باشد که فراوانی منابع اغلب باعث انحرافات و گرایش های خاصی در اقتصاد می شود و در نتیجه باعث عقب ماندگی اقتصاد می شود. این انحرافات؛ از طریق مکانیسم ها و کانال هایی مانند کاهش بلندمدت رابطه مبادله، نوسانات برونزا در درآمد صادرات منابع طبیعی، بیماری هلندی، اثرات جانیشینی، ضعف و سوء مدیریت دولت، فساد و اختلاس، کاهش سطح کیفیت نهادی رخ می دهد. بنابراین فراوانی منابع به طور غیرمستقیم و از مجاری دیگر باعث کندی رشد اقتصادی می شود. به طوری که درآمدهای نفتی، اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی عراق دارد. با افزایش درآمدهای نفتی در عراق، سوء مدیریت ها افزایش پیدا کرده و در نتیجه درآمدهای حاصل از فروش نفت بیشتر صرف امور مصرف گرایانه و هزینه های دولت در راستای اهداف غیرمولد و رانتی افزایش یافته و به امور مرتبط در حوزه رشد اقتصادی و تولید داخلی سرریز نشده، در نتیجه میزان تولید و رشد اقتصادی در این کشور کاهش می یابد.

با در نظر گرفتن تأثیر منفی و معنادار درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی عراق، این کشور بایستی از اتکا بیش از حد به درآمدهای نفتی خودداری نموده و عواید حاصل از صادرات نفت را در زمان شوک مثبت نفتی را در بخش های مولد مخصوصا بخش صنعت و زیر بخش های مرتبط با آن در جهت افزایش سطح کیفیت و حجم تولیدات داخلی با ارزش افزوده بالا سرریز نمایند تا موجب کاهش نرخ بیکاری و افزایش نرخ رشد اقتصادی باشد.

منابع و مأخذ

- بهشتی، مونا و معمارنژاد، عباس و ترابی، تقی و حسینی، شمس الدین (۱۴۰۱). بررسی اثر توسعه مالی و آزادسازی تجارت بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد متوسط بالا، نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۰۲، سال سی ام، ص ۴۳۲-۳۹۵.
- پروین، سهیلا، بهرامی و جاوید و وحیدی، سحر (۱۳۹۱). تاثیر شوک‌های مالی بر تولید و سطح قیمت در ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری. مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۶، دوره ۴، ص ۲۱-۳۹.
- جهانی، محمد رسول و فراهانی فرد، سعید (۱۳۹۹). اثر تجارت و توسعه منابع انسانی بر رشد اقتصادی ایران با هدف رونق تولید، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۸، شماره ۴، ص ۶۹۱-۶۷۵.
- خدایی، مهدی و جعفری، محمد و فتاحی، شهرام (۱۳۹۷). بررسی اثرات سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی در اقتصاد ایران: مدل‌های حالت-فضا. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۸، دوره ۳۱، ص ۷۹-۹۲.
- خزیر، اسماعیل و دل‌انگیزان، سهراب (۱۳۹۱). مطالعه اثرات شوک‌های سیاست مالی بر رشد اقتصادی ایران دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۳۸. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، شماره ۱، دوره ۳، ص ۴۴-۲۲.
- شیرین بخش، شمس اله و حسن خوانساری، زهرا (۱۳۸۴). کاربرد *views* در اقتصاد سنجی. تهران: انتشارات پژوهشکده اموراتصادی
- زارعی، ژاله (۱۳۹۴). بررسی رفتار چرخه‌ای سیاست مالی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش قواعد مالی، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی سال هشتم، شماره ۲۶، ص ۵۶۹-۵۴۳.
- عامری، مرضیه (۱۴۰۲). بررسی ارتباط پویای بین چرخه‌های مالی، چرخه‌های تجاری و عدم تعادل‌های اقتصاد کلان در اقتصاد ایران- رویکرد خود رگرسیون برداری، هفدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه.
- علوی باجگانی، سید علی رضا و پیکارجو، کامبیز و هژبرکیانی، کامبیز و ترابی، تقی (۱۳۹۸). بررسی اثرات نامتقارن سیاست مالی بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد رگرسیون چندکی. اقتصاد و الگو سازی، شماره ۱۰، دوره ۴، ص،
- کشت گر، نفیسه و پهلوانی، مصیب و میر جلیلی، سید حسین (۱۳۹۸). بررسی ویژگی‌های چرخه مالی در اقتصاد ایران، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۳۵-۹۶.
- مکیان، سید نظام الدین و صمدی، علی حسین و آماره، جواد (۱۴۰۰). بررسی بررسی وضعیت چرخه‌ای سیاست‌های پولی و مالی در ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری، شماره ۱۸، دوره ۴، ص ۹۲-۶۷.
- نوفرستی، محمد. عنوان: ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی / محمد نوفرستی. ناشر: تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.
- Alam k.J. and K.K. Sumon (2020). "Caaaa Rssssssssss eeeeeen rr aee eee nne add cc iiiii i rr Paee aa aaa lysss ff aaaa Ceeeeee" Inrrraaiiaaa Jaaaaaaaff Economics and Financial Issues, 10(1), pp.118-126. Amir-ud-Din, R., Usman, M., Abbas, F., & Javed, S.A. (2019). Human versus physical capital: issues of accumulation, interaction and endogeneity. *Economic Change and Restructuring*, 52(4), 351-382.
- Barguelli, A., Ben-Salha, O., & Zmami, M. (2018). Exchange rate volatility and economic growth. *Journal of Economic Integration*, 33(2), 1302-1336.
- Bawazir, A. A. A., Aslam, M., & Osman, A. F. B. (2020). Demographic change and economic growth: empirical evidence from the Middle East. *Economic Change and Restructuring*, 53(3), 429-450.
- Borio, C. (2020). The financial cycle and macroeconomics: What have we learnt? *Journal of Banking & Finance*, 45, 182-198. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2013.07.031>

Combes, J. L., Kinda, T., Ouedraogo, R., & Plane, P. (2019). Financial flows and economic growth in developing countries. *Economic Modelling*, 83(C), 195-209

Cotter, J., Hallam, M., Yilmaz, K., 2020. Macro-Financial Spillovers (October 6, 2020). datahelpdesk.worldbank.org

Fatas, M. (2011) The Effects of Business Cycles on Growth, 5th annual conference of the Central Bank of Chile, November 11-14, 2011.

Jorda, O., Schularick, M., & Taylor, A. M. (2020). When credit bites back. *Journal of Money, Credit and Banking*, 45(s2), 3-28. <https://doi.org/10.1111/jmcb.12069>

Matousek, R., & Tzeremes, N. G. (2021). The asymmetric impact of human capital on economic growth. *Empirical Economics*, 60(3), 1309-1334.

Shin Y, B. Yu, M. Greenwood-Nimmo, Modelling asymmetric co-integration and dynamic muttlll rrr a iiiii ii ar DDDL faawwwo'''''' Fessscffff rrrrr ro Peee Sciii 44444411-314.

Slavtcheva, D. (2015). Financial development, exchange rate regimes and productivity growth: Theory and evidence. *Journal of Macroeconomics*, 44, 109-123.

Wang, B; Xiao, Y. (2023). The term effect of financial cycle variables on GDP growth, *Journal of International Money and Finance*, Vol 139 (3): 321-338.

Wang, Bo & cho, Yang, (2022). "The term effect of financial cycle Economic growth," *Journal of International Finance inclusion*, , vol. 139(3): 167-191.

World Economic Outlook Database, April 2019". IMF.org